

تطبیق رخداد‌های روز با وقایع تاریخی و سپس نتیجه‌گیری از تاریخ برای وضع کنونی یا موضع‌گیری در قبال رخداد‌های روز، هر چند امری رایج در میان عموم اندیشمندان، روشنفکران و مردان سیاست ماست اما این مطلبی مسلم و مورد توافق همگانی نیست و برخی امکان آن را منکر می‌شوند یا درصورت حکم به امکان، آن را نیازمند الگویی روش‌شناختی و معیارهای منطقی می‌دانند. در همین رابطه «مجله‌تصویری علوم انسانی زاویه» چهارشنبه هفته گذشته نشست با حضور استاد محمد اسفندیاری (مدیر دانشنامه امامت) و حجت‌الاسلام محمدرضا هدایت‌پناه (عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) با عنوان «معیار خوانش‌های روز از تاریخ صدر اسلام» برگزار کرد. در ادامه متن تلخیص‌شده این گفت‌وگو از منظر تان می‌گذرد.

۱۱۱

علم تاریخ در چه صورت برای ما دارای اعتبار است و در چه شرایطی «معرفت تاریخی» ما، معرفتی موچه و صادق خواهد بود.

اسفندیاری: تاریخ اساسا یک علم ظنی و تردیدآمیز است و مطالب یقینی در آن خیلی فراوان نیست. به عبارت دیگر تاریخ به لحاظ اطمینان‌بخشی در پایین مرتبه علوم قرار دارد؛ یعنی اگر علوم را احصاء کنیم تاریخ به لحاظ اطمینان‌بخشی در نازل‌ترین مراحل آنهاست. دلیل آن هم روشن است چون تاریخ از گذشته صحبت می‌کند و گذشته در دسترس ما نیست، به دیگر سخن، معلوم تاریخ مفقود است.، ما در تاریخ می‌خواهیم از چیزی صحبت کنیم؛ می‌خواهیم علم به چیزی داشته باشیم که مفقود است. مثالی عرض می‌کنم ما اگر بخواهیم الان بدانیم جمعیت شهر کوفه چقدر است به راحتی ممکن است. کارشناسان آمار و سرشماری به کوفه می‌روند و جمعیت آن را دقیق به ما اعلام می‌کنند؛ اما اگر بخواهیم بدانیم جمعیت کوفه در عصر امام حسین (ع) چه تعداد بود؟ دقیق نمی‌دانیم چون آن کوفه در دسترس ما نیست و فقط یک سلسله روایات در دسترس ماست و در این روایات جمعیت کوفه از صدهزار نفر گفته شده تا صدها هزار نفر. تاریخ از چه طریق به دست ما رسیده است؟ از طریق روایت‌ها. این روایت‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی به دو بخش تقسیم می‌شوند؛ روایت‌هایی که معتبر نیستند و روایت‌هایی که معتبر هستند. روایت‌هایی که معتبر نیستند که هیچ، اما روایت‌های معتبر را چه کسانی برایمان روایت کردند؟ راویان موثق، این راویان برخی وقایع را دیدند و شنیدند و برخی وقایعی را که دیدند و شنیدند، نوشتند و برخی وقایعی را که دیدند و شنیدند و نوشتند، به‌جا مانده است. پس ما از طریق روایات به تاریخ دسترسی داریم این روایات یا نامعتبر یا معتبر است و آنهایی که معتبر است شامل تمام واقعیت نیست. آن چیزی که از تاریخ می‌دانیم جزئی از تاریخ است. اینجاست که مورخ باید مانند ژانوس در اساطیر روم باشد که دو چهره داشت، با یک چهره جلورامی دید و با یک چهره پشت‌سرش را. اگر پیامبران پیشگویی می‌کنند مورخان باید پسگویی کنند. حقیقت پیش‌روی مورخ نیست بلکه پشت‌سر مورخ است. البته این را که من می‌گویم با نظر ارسطو و پیروان ارسطو در میان مسلمانان و غیرمسلمانان فرق می‌کند. ارسطو اصلا تاریخ را علم نمی‌دانست. می‌گفت موضوع تاریخ جزئی است، حال اینکه موضوع علم باید امر کلی باشد. نظر من این نیست و تاریخ را علم می‌دانم و در آن به مرتبه‌ای از یقین می‌توانیم برسیم اما در تاریخ خیلی به ضرر قاطع و از بن دندان نمی‌شود سخن گفت. البته اطلاع دارم دکتر هدایت‌پناه مقاله‌ای در این باب دارد و مقایسه‌ای کرده است میان نظرات متفکران دینی در این باب که از آن استفاده می‌کنیم.

آقای هدایت‌پناه، اجمالا به سوال اول ما مروری داشته باشید.

هدایت‌پناه: راجع به این دو قضیه که «آیا تاریخ ظنی یا یقینی است» و «اگر ظنی است، آیا راهی برای اطمینان‌یابی به این گزارش‌های تاریخی وجود دارد یا خیر»، ابتدا باید متذکر شد مورخان خصوصاً در سیره نبوی که می‌خواستند استناداتی به سیره برای حجتی قول یا فعل رسول (کر) می‌کنند که تمام حقیقت ب‌درت فقه می‌خورد. [به‌سراغ تاریخ‌فته‌اند و] در مرحله اول، وقتی پیدایش تاریخ و سیره نبوی را در تاریخ اسلام مرور می‌کنیم، می‌بینیم با این انگیزه‌ها (استاد‌های فقهی) شروع شده است. این را در نظر بگیریم که چگونه می‌توانیم به یک تاریخ یقینی برسیم؟ اصلا این سوال مطرح بوده یا نبوده؟ شاید تعجب‌کنید این سوال هم برای ابن حزم اندلسی و همچنین برای قاضی عبدالجبار معتزلی و هم شیخ مفید کاملاً مطرح بوده است لذا پرسیده‌اند برای رسیدن به آن چیزی که مورد اختلاف است، چطور می‌توانیم استناد کنیم؟ من به استنادات مشایخ و محدثین خود استناد کنم شما قبول ندارید، شما هم [به مشایخ خودتان] استناد کنید، بنده قبول ندارم. این حق برای هردو قابل احترام است. منتها این مباحته چگونه می‌تواند به نتیجه برسد و یک زبان مشترک بین اینها ایجاد شود. اینجاست که اینها آمدند تکاپویی در این زمینه کردند و بحث‌هایی انجام دادند. سه راهکار برای رسیدن به تاریخ ظنی و عبور از آن به تاریخ یقینی ارائه داده‌اند. توجه داشته باشید متکلم تاریخ یقینی را فقط به‌عنوان گزاره‌هایی [مربوط به] گذشته و نامرتبط با اعتقادات خود نگاه نمی‌کند، بلکه آن تاریخی را می‌خواهد که با مذهب، فکر و اندیشه مذهبی خودش ارتباط کاملاً تنگاتنگی دارد. لذا می‌پرسد «من در تاریخ به چه چیزی و با چه روش علمی استناد می‌کنم؟»

اینجا شیخ مفید و سواس به‌خرج داده. شیخ پیشنهاد داد باید «تواتر» ایجاد شود. می‌دانید تواتر علم‌آور است یعنی روشی است که همه ما به اتفاق -چه ما و چه آنها- قبول کرده‌ایم که علم‌آور است. علم هم اعتبار ذاتی دارد و یقینی است. شیخ گفته تواتر این روش ایشان است. حالا [اینکه] چگونه می‌توان به تواتر رسید بحث دیگری است. قاضی عبدالجبار معتزلی به‌عنوان «تواتر معنوی» این بحث را مطرح کرده که: من از مجموعه گزارش‌های تاریخی قدر متیقن‌ها را می‌گیرم. این قدر متیقن‌ها به من یک دانشی علم‌آور می‌دهد [که او] اسمش را «حال» گذاشته است؛ یعنی بعد از ممارست بسیار زیاد ایجاد می‌شود (خودش هم تأکید می‌کند با یک‌بار، دو‌بار و ۱۰ بار خواندن تاریخ، هیچ ایجاد نمی‌شود). وقتی ممارست باشد یک علمی برای شما

حاصل می‌شود که «آیا این اتفاق به لحاظ علمی امکان دارد رخ دهد یا خیر؟»

ابن حزم اندلسی یک بیان دیگری دارد و می‌گوید من آن گزاره‌ای را یقینی حساب می‌کنم که کفاف علمای ما این را مطرح کنند؛ یعنی تقریباً کل مورخان بیایند بر یک موضوع و گزاره تاریخی اجماع کنند؛ در جزئیات ممکن است اختلافاتی باشد ولی در کلیت آن را قبول کنند. اسمش را [هم] «کفاف علماء مورخین» می‌گذارند که این هم باز یک تواتر معنوی است. نظر شخصی‌ام این است که این سه راه‌حل در برخی موارد می‌تواند به‌مساکمک کن‌د ولی به این شکل تقریباً به نتیجه نمی‌رسیم لذا باید همان راهی را برویم که محدثین طرح کردند. گفتند ما ظنون داریم، احادیث هم ظن‌آور هستند ولی به هر ظنی نمی‌شود اعتماد کرد. ما باید به ظنی اعتماد کنیم که معتبر است، [یعنی] می‌گوییم «اعتبار این [ظنون] فقط در زمانی است که علم‌آور باشد» آن وقت گفتند چگونه می‌تواند علم‌آور باشد.

اسفندیاری: فقه هم همین سرنوشت را دارد؛ یعنی فقه را هم علم ظنی می‌دانستند. اینکه می‌گوییم تاریخ علم تردیدآمیز است عده‌ای دیگر خوشحال نش‌وند، خیر اغلب فقها، فقه را [هم] علم ظنی می‌دانند. جمله‌ای از وحید بهبهانی معروف است که «ان الفقه کله ظنی لا طریق لنا الی‌الیقین».

هدایت‌پناه: بله ولی این را توجه‌کنید ما ظنی الصدور و ظنی المتن داریم که بحث دیگری است.

پاسخ‌های آقای اسفندیاری و هدایت‌پناه کم‌وبیش هر دو گواهی می‌داد که تاریخ بر موفقه‌ای به نام روایت شکل می‌گیرد و روایت‌ها نقش بسیار اساسی در تاریخ بازی می‌کنند. رقابتی بین روایت‌های مختلف شکل می‌گیرد تا بتوانند گوی سبقت و اعتبار را از روایت دیگر و روایت رقیب برابند. بسیاری از روشنفکران و مصلحان اجتماعی و علمای دینی ما و هر آن‌کسی که با افکار عمومی شروع به صحبت می‌کند و قصد اثر گذاری دارد، گاهی اوقات به ارجاعات تاریخی تکیه می‌کند تا با استناد و بهره‌گیری از روایت تاریخ بتواند وضعیت کنونی ما را تفسیر کند، معنا ببخشد یا حتی گاهی تجویزاتی را صادر کند. چطور می‌شود تاریخ را به نحو روزآمدی نوشت؟

اسفندیاری: ای.اچ. کار مورخ انگلیسی و از فیلسوفان تاریخ کتابی ذیل عنوان «تاریخ چیست» دارد که به فارسی ترجمه و بارها منتشر شده است. ایشان در آن کتاب جمله‌ای از بندتو کروچه نقل می‌کند که جمله فوق‌العاده طلایی است که تمام تاریخ، تاریخ معاصر است؛ یعنی چه تمام تاریخ، تاریخ معاصر است؟ یعنی ما همواره به تاریخ رنگ معاصر می‌زنیم و با عینک امروز مسائل دیروز را روایت می‌کنیم. بعد «کار» در این کتاب جمله فوق‌العاده ارزنده‌ای دارد که می‌گوید وقتی شما یک کتاب تاریخی را برمی‌دارید، طبیعی است به نام نویسنده آن نگاه کنید که نویسنده آن کیست، اما یک چیزی از آن مهم‌تر است نگاه کنید تاریخ‌نگارش آن چیست؟ این گویاتر است. تاریخ نگارش؛ به چه دلیل گویاتر است؟ به دلایل اینکه هرکس تاریخی را می‌نویسد، روزآمد می‌نوسد. مطابق مقتضیات عصر خودش می‌نویسد و رنگ معاصر بر آن می‌زند. یک مثال می‌زنم تا این بحث روشن شود. گذشتگان ما که کتاب‌های تاریخ می‌نوشتند یک فصلش درباره امام حسین (ع) در ذیل حوادث [سال‌های] ۶۰ و ۶۱ بود. همه کتاب‌های تاریخی را ببینید سال ۶۰ و ۶۱ تاریخ امام حسین (ع) است. این بخش از تاریخ را از گذشتگان که بخوانید می‌بینید تاریخ و نهضت امام حسین یک تاریخ مردسالارانه است. تاریخی است که فقط یک قهرمان دارد و آن امام حسین (ع) است؛ اما می‌بینیم امروزه مثلاً در ۵۰، ۶۰ سال اخیر، تاریخی که معاصران ما می‌نویسند به تعبیر شهید مطهری تاریخ مونث است. این ۵۰، ۶۰ و ۷۰ سال اخیر، نگاه فمینیستی وارد تاریخ شده است. [گرچه نزد ما] تاریخ امام حسین (ع) و [همچنین] تاریخ ما، تاریخ مردسالارانه نیست. تاریخی است که یک قهرمانش امام حسین (ع) و یک قهرمانش حضرت زینب (س) است. سوال من این است که چه شده در ۵۰ سال یا حداکثر در این ۱۰۰ سال، تاریخی که می‌نویسیم دو قهرمان دارد اما در گذشته تاریخ ما یک قهرمان داشت که امام حسین (ع) بود و از حضرت زینب (س) یک اسیر و آواره نشان داده می‌شد؛ اما چه

اندیشه

در مجله تصویری علوم انسانی زاویه مطرح شد

معیار خوانش‌های روز از تاریخ صدر اسلام

اسفندیاری: گاهی آینده چراغ راه گذشته است

ما همواره به تاریخ رنگ معاصر می‌زنیم و با عینک امروز مسائل دیروز را روایت می‌کنیم

هدایت‌پناه می‌توان بدون جعل در تاریخ، روایتی روزآمد از تاریخ ارائه داد



بعدا به‌خاطر مباحث دیگری که در جامعه رخ می‌دهد می‌بینید یک قرائت و بازخوانی جدیدی از عاشورا اتفاق می‌افتد. این نه‌تنها مذموم نیست بلکه بسیار هم خوب است که تاریخ و زاویه‌های نظر به یک گزاره تاریخی منطبق بر نیازهای زمانه خودتان باشد. **اسفندیاری:** در اینکه با تحقیقات مان می‌توانیم نکات جدیدی را به دست بیاوریم، تردیدی نیست؛ اما گذشتگان ما هم تحقیق می‌کردند و حتی بیش از ما تحقیق کرده بودند ولی چرا به این نکات جدید نرسیده بودند. «نفس المهموم» مرحوم محدث قمی یا «لواعج الشجان» مرحوم علامه سیدمحسن امین یا «مقتل‌الحسین» مقرر، این سه مقتلی که عرض کردم از آخرین مقتل‌های کلاسیک ماست. چرا این سه بزرگوار و متقدمان آنها -که می‌تدید تحقیق هم زیاد کرده بودند- نمی‌توانستند حضرت زینب (س) را آن‌طور که ما می‌بینیم، ببینند؟ حتی در روضه‌های ما از زبان امام حسین (ع) می‌گفتند شدم راضی که زینب خار گردد/ اسیر کوچه و بازار گردد. گذشتگان ما این را می‌گفتند، ما الان می‌گوییم قهرمان . به‌نظم به این دلیل که آینده چراغ راه گذشته است. ما این جمله را می‌دانیم که گذشته چراغ راه آینده است. در حدیث امام‌سجاد (ع) هم آمده است «فی الباقی عن الماضي اعتبار» تقریباً یعنی «گذشته چراغ راه آینده است». ما این را می‌دانیم ولی گاهی آینده چراغ راه گذشته است. یک چیزهایی در آینده رخ می‌دهد و باعث می‌شود تازه ما حضرت زینب (س) را در تاریخ کشف کنیم.

شده در این ۶۰، ۷۰ سال اخیر، حضرت زینب (س) به‌عنوان یک قهرمان شناخته شده است. چرا ما یک چیزی را از تاریخ استنباط کردیم و درست هم استنباط کردیم که گذشتگان ما استنباط نکردند؟ چرا گذشتگان این چیزی که ما می‌بینیم را نمی‌دیدند؟ تاریخ آنها رنگ زمانه خودشان را داشت، تاریخ ما رنگ زمانه خود ما را دارد. در زمانه آنها، زنان پرده‌نشین بودند چون زنان در پرده بودند و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نداشتند و کنش گروا کنویست نبودند مورخان هم اصلاً حضرت زینب (س) و قهرمانی‌ها و افشاگری‌های ایشان را نمی‌دیدند ولی در این ۵۰، ۶۰ ساله زنان دیگر پرده‌نشین نیستند. موقعی که مورخان امروز ما این زنان و فعالیت‌های اجتماعی را دیدند این بعد زنانه نهضت عاشورا را هم کشف کردند؛ یعنی به تاریخ رنگ هم رنگ معاصر می‌زدند و نمی‌توانستند فضیلت‌های حضرت زینب (س) را ببینند.

یعنی فضیلت‌ها و هنجارهای زمانه روایت‌شان را تغییر می‌داد.

اسفندیاری: بله تغییر می‌داد. محیطی که در آن زندگی می‌کنیم در تاریخ‌نگاری ما دخیل است و همان صحبت کروچه که تمام تاریخ، تاریخ معاصر است و به‌نظم یک مورخ فوق‌العاده دقیق کسی است که بتواند سرا از زیر سقف زمان خودش بیرون بیاورد و فقط تحت‌تاثیر زمانه خودش ننویسد. بکوشد نیازهای زمان را پاسخ دهد اما لزوماً متأثر از زمانه خودش نباشد.

آقای هدایت‌پناه شما هم با این تعبیر موافق هستید که تمام تاریخ، تاریخ معاصر است و لاجرم هر روایتی از تاریخ در قیدوبند معاصر و زمانه شکل می‌گیرد؟

هدایت‌پناه: فکر می‌کنم اگر این مساله باز نشود ایجاد یک شبهه می‌کند. اولاً اینکه می‌گوییم تاریخ را روزآمد کنیم به چه معناست؟ اولاً تاریخ یک تاریخ است؛ یعنی یک اتفاق افتاده است و نمی‌توانیم آن را به ۲، ۳، ۲۰ و ۱۰۰ [اتفاق متفاوت] تکثیرش کنیم. ما یک‌بار می‌گوییم تاریخ به معنای یک واقعه‌ای که در گذشته اتفاق افتاده است این واقعه، دیگر دوم و سوم و چهارم نمی‌شود بلکه ممکن است زوایایی از آن حادثه را به‌خاطر تحقیقات جدید بیابیم و مواردی را کشف کنیم و در این حرفی نیست. در حقیقت ما با تحقیق چراغ انداختیم و برخی گوشه‌های حوادث یک متن تاریخی که در گذشته بوده و دیده نمی‌شده را الان می‌بینیم. لذا این را در اطلاعات جدیدمان در ارتباط با آن واقعه تاریخی، روزآمد و اضافه می‌کنیم؛ این «اضافه» به معنای این نیست که من آمدم یک چیزی را که در متن نبوده، اضافه کردم، این جعل تاریخ می‌شود. اما یک بحث دیگر این است که در جامعه اتفاقاتی می‌افتد که می‌خواهیم ببینیم آیا این تاریخ، می‌تواند به ما چراغ بدهد و عبرت بگیریم یا خیر؟ به معنای اینکه من تاریخ را با یک نگاه و زاویه و ادبیات جدیدی مطرح کنم، در این هیچ گونه اشکالی نیست. لذا می‌بینید در زمانی عاشورا را به چشم روضه‌هایی فقط برای گردانیدن «می‌دیدند [که] به‌خاطر ظریف و نیاز زمانه این‌طور بود. بعدا مخصوصاً در زمان دوره انقلاب، انقلابی بودن آن حادثه بیشتر مورد توجه قرار داشت.



تاریخی یا تاریخ روزآمد را به‌معنای عصری کردن که نمی‌دانید؟

اسفندیاری: ابتدا. این روزآمد کردن تاریخ یا خوانش روز از تاریخ یا تفسیر عصری از تاریخ می‌تواند یک نوع معنای منفی داشته باشد؛ یعنی که ما تاریخ را مطابق میل و سلیقه و مدام‌روزیان تفسیر کنیم؛ این غلط است. زمانی مطابق مد و سلیقه آن‌روز «مبارزه مسلحانه گرم» [خوشامد بعضی] بود و عده‌ای می‌گفتند شما از تنگ بگو، ولو جنگ بگو. ولی تفسیر عصری از تاریخ یا قرائت روزآمد، می‌تواند یک معنای مثبت داشته باشد؛ معنای مثبتش این است که بیابیم ببینیم نیازهای زمان‌مان چیست و از تاریخ اسلام مطالبی را برای نیازهای زمانه‌مان انتزاع و اصطیاد کنیم.

ولی به‌صورت صحیح.

اسفندیاری: قطعاً به‌صورت صحیح.

این «صورت صحیح» تحت چه شرایطی است؟ یعنی قید صحت چیست؟

اسفندیاری: قید صحت چیست بحث آخر و بحث دیگری است. الان بحث در این است که یک معنای تفسیر عصری یا روزآمد کردن تاریخ ایسن بود [که] ما بیابیم ببینیم نیازهای زمان ما چیست، از تاریخ مطالبی را استخراج کنیم و قطعاً به‌صورت صحیح، در اینکه تردیدی نیست. مثال بیاورم: خداوند که پیامبرانی را فرستاد و معجزات به آنها اعطا کرد در اعطای معجزات، مقتضیات زمان و نیازهای زمان را رعایت کرد. این سکیت از امام رضا (ع) می‌پرسد چرا معجزات پیامبران متفاوت است؟ حضرت می‌فرماید در زمان حضرت موسی (ع) سحر و ساحری رواج داشت لذا خداوند پیامبرش را با عصا و ید بیضاء فرستاد که باطل السحر بود. در زمان حضرت عیسی (ع) فن پزشکی رواج داشت لذا خداوند پیامبرش را با دم عیسوی فرستاد که بیماران را شفا می‌داد. در زمان حضرت خاتم‌التنبیین ادبیات و شعر رواج داشت لذا خداوند پیامبرش را با کلمه و کتاب می‌فرستد. خداوند در اعطای معجزه به پیامبران نیازهای زمان را در نظر می‌گیرد، ما هم باید نیازهای زمان را در نظر بگیریم نه اینکه مطابق نیازهای زمان تفسیر کنیم. به‌نظم اولین معیار در تاریخ‌نگاری این است که ما منابع را بررسی و به منابع معتبر استناد کنیم. شما نگاه کنید به کتاب‌های عاشورایی که نوشته شده است، نویسنده از ابتدا شروع به تاریخ می‌کند. اول منابع را بررسی نمی‌کند. بنده اروپاییان را دیدم علی‌الغلب که کتاب‌های تاریخی می‌نویسند، فصل اولش را بررسی منابع قرار می‌دهند. می‌گویند من به چه منبعی استناد می‌کنم و به چه منبعی استناد نمی‌کنم؛ یعنی الان در جامعه ما کسانی هستند که برایشان تاریخ طبری و یعقوبی فرق نمی‌کند، اصلاً نمی‌دانند فرقش چیست! تاریخ ابن‌اثیر و ابن‌کثیر برایشان فرقی نمی‌کند. الارشاد شیخ مفید با لیهف سیدین طاووس برایشان فرقی نمی‌کند. صحت تاریخ در درجه اول مبتنی بر منابع معتبر است. بعد اگر ما منابع معتبر را داشتیم آن موقع، از مقام توصیف درآمدیم و به مقام تحلیل می‌رسیم. گاهی اوقات در تحلیل‌ها اختلاف رخ می‌دهد. هیچ چاره‌ای نیست و این اختلاف، سنت خداوندی است. اگر تاریخ را با یک سری منابع و گزارش‌ها به آقای هدایت‌پناه و به بنده هدید هر کدام به‌گونه‌ای می‌نویسیم.

پس معیار ارزیابی و قیاس اینها چیست؟ چون گاهی می‌بینیم حتی در قضایای روز در حوزه‌های مختلف اقتصاد و سیاست از واقعهای مثل عاشورا کاملاً دو پیام‌رودروری هم اقتباس می‌شود!

اسفندیاری: اگر روایتی را که می‌خواهیم به آن استناد کنیم معتبر باشد آن موقع در تحلیل اختلاف است. اختلاف افکار است.

و معیار ترجیح تحلیلی به تحلیل دیگر چه می‌شود؟

اسفندیاری: بسیار دشوار است! رگ رگ است این آب شیرین و آب شور! در خلاق می‌رود تا نفخ صور. این تحلیل‌ها به‌هیچ‌وجه این‌طور نیست که چه‌بسا تحلیلی که امروز من بگویم اشتباه است، فردا مشخص شود درست است.

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم

جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مصرف کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات راس ساعت ۱۳/۳۰، روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۸/۲۹ در محل سالن آقمی تئاتر علامه طباطبائی به‌آدرس انتهای بزرگراه ستاری شمالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ساختمان علوم پایه تشکیل می‌گردد. لذا از کلیه اعضا دعوت می‌شود با در دست داشتن کارت ملی راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانید و با وکیل / نماینده خود را کتبا معرفی نمایند.

دستور جلسه:

- استماع گزارش هیات‌مدیره و بازرس
- طرح و تصویب صورت‌های مالی منتهی به سال ۱۳۹۶
- توزیع سود سهام از سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۵ بین اعضا
- مشخص نمودن درمدی از سود به‌عنوان پاداش هیات‌مدیره
- انتخاب بازرس اصلی و بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال
- توضیحات:
- ۱- اگر حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد، می‌تواند وکالتاً حق اعمال رای خود را به غیر دهد. جهت تنظیم وکالت‌نامه وکیل و موکل تا ۲۴ ساعت قبل از برگزاری مجمع در وقت اداری به دفتر تعاونی مراجعه و وکالت‌نامه را تنظیم نمایند.
- ۲- کاندیداهای سمت بازرسی می‌بایست ظرف مدت ۲۴ ساعت قبل از برگزاری مجمع با در دست داشتن مدارک شناسایی و عضویت، در ساعات اداری به دفتر شرکت تعاونی مراجعه نمایند.
- ۳- هیات‌مدیره شرکت تعاونی مصرف کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات